

# مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال هجدهم، شماره ۶۷، تابستان ۱۴۰۳  
صفحه ۲۵۳ تا ۲۷۶

## تکثر هویتی و تنش‌های سیاسی - اجتماعی در ایران پس از دوره اصلاحات

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی،  
واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

id مهنوش اشجاری

دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده علوم سیاسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه  
آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\* id مجتبی مقصودی

دانشیار گروه علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه  
شاهد، تهران، ایران

id علی مرشدی زاده

استادگروه علوم سیاسی / اندیشه سیاسی و مسائل ایران، واحد تهران مرکزی، دانشگاه  
آزاد اسلامی، تهران، ایران

id محمد توحیدفام

### چکیده

در باب تنش‌ها و جنبش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی، تحقیقات و پژوهش‌های مختلف و متعددی انجام شده است و آنها را از جهات چندگانه‌ای مورد بررسی قرار داده‌اند. در ایران نیز دربارهٔ تحولات اجتماعی مطالعات بسیاری انجام شده است. در همین راستا، بعضاً یکی از علل و ریشه‌های این گونه دگرگونی‌های اجتماعی را در مسئلهٔ هویت دنبال کرده‌اند. از همین رو، پرسش اصلی این مقاله به نسبت میان هویت‌های متکثر و تنش‌های سیاسی و اجتماعی در ایران اختصاص داده شده است. گسترهٔ زمانی تحقیق ایران بعد از عصر اصلاحات است. فرضیهٔ مقاله بر آن بوده که با توجه این که اولاً هویت سطوح مختلف فراملی، ملی، و فراملی پیدا کرده است، و ثانیاً از سویی دیگر، با التفات به چهل‌تکه شدن هویت و جهانی و مجازی شدن آن، هویت در ایران امروز ماهیتی یکپارچه نداشته فلذا در تنش‌های اجتماعی هر بُعدی از هویت می‌تواند با یک ایدئولوژی یا گفتمان رقیب رابطه بگیرد و از آن متأثر شود. یافته‌های تحقیق نشان داده است که در هر برهه‌ای از ناآرامی‌های اجتماعی، یک یا چند بعد از هویت‌های موجود فعال شده‌اند و از همین رو، نقش فاعلیت در تنش‌ها را ایفا کرده‌اند. رویکرد تحقیق تحلیل گفتمانی و روش جمع آوری داده‌ها کتابخانه‌ای و اسنادی بوده است.

کلیدواژه: هویت، جنبش‌های اجتماعی، تحلیل گفتمان، تنش‌های سیاسی، جهانی شدن.

\* نویسنده مسئول: m.ashjaary@yahoo.com

تاریخ تایید: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۲۸



The Islamic Revolution Approach Quarterly

Vol. 18, No.67, Summer 2024, P 3-18

rahyaftjournal.ir

## Identity pluralism and political-social tensions in Iran after the reform period

**Mehrnoosh  
Ashjaary** 

PhD student of Political Sociology, Faculty of Law, Theology and Political Sciences, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Mojtaba  
Maghsoudi** 

Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Political Science, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

**Ali Morshedizadeh** 

Associate Professor, Department of Political Science and Islamic Revolution Studies, Faculty of Humanities, Shahid University, Tehran, Iran

**Mohammad  
Tohidfam** 

Professor of Political Science/Political Thought and Iranian Issues, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

### Abstract

Numerous studies have been conducted on movements and socio-political unrest, examining them from multiple perspectives. In Iran, many studies have focused on social transformations, often identifying identity as one of the causes of such changes. The central question of this article is the relationship between identity pluralism and political and social tensions in Iran, with a focus on the period after the reform era. The hypothesis suggests that identity in Iran today is not monolithic, given that it has manifested at subnational, national, and transnational levels, and that identity has become fragmented, globalized, and virtualized. As a result, during social tensions, each dimension of identity

---

\* Corresponding Author: m.ashjaary@yahoo.com

**How to Cite:** Maghsoudi, M., Ashjaary, M., Morshedizadeh, A., Tohidfam, M. (2024). Identity pluralism and political-social tensions in Iran after the reform period, *The Islamic Revolution Approach Quarterly*, 17(67), 3-18.

Received: 17/05/2024

Accepted: 20/07/2024

can align with or be influenced by competing ideologies or discourses. The findings of this study reveal that in various instances of social unrest, one or more aspects of existing identities become activated, playing a pivotal role in driving tensions. The study adopts a discourse analysis approach, with data collection conducted through library research.

### **Introduction**

One of the most significant elements that distinguishes humans from other beings is the issue of identity. Sociologists consider identity to be a defining characteristic for understanding individuals. One of the critical discussions surrounding identity is its relationship with social movements. Social unrest, which often arises from economic and political tensions, can be analyzed through the lens of social identities, especially the multiplicity of these identities. Investigating the plurality of identities within social movements can lead to a better understanding of such movements. Therefore, this study focuses on the central question of how the pluralism of social identities has influenced tensions and social unrest in Iran after the reform era.

### **Methodology**

Although every society may appear to form a single unified entity, it is made up of individual members, each with their distinct identity. Identity is essential for individuals living within a society, and it can be considered one of the most fundamental human needs in the social dimension. Typically, societies consist of multiple identities that coexist and together form a higher-level identity, which is the national identity. Identities can be influenced by various sources, including political (political-ideological orientations, parties, interest groups, unions, civil institutions, etc.), religious (religious or mystical groups), gender, linguistic (subnational and local languages and dialects), or ethnic (ethnic or racial minorities). These elements collectively form an individual's primary identity. In contemporary Iran, citizens draw their identity from both synchronic (contemporaneous) and diachronic (historical) sources. Language, religion, mythology, and historical consciousness are diachronic identity sources, while modern and globalized values and norms constitute synchronic identity sources. Together, these elements create the plural identity of contemporary Iranian citizens.

### **Findings**

Based on the definitions of identity and the analytical levels of

subnational, national, and transnational, the impact of identity on social unrest in Iran can be analyzed on three levels: 1) ethnic identity and political and social unrest; 2) national identity and political tensions; 3) transnational identity and socio-political unrest. At each of these levels, one or more identity sources have contributed to the stimulation of social movements.

### **Conclusion**

Regarding the tensions and unrest in Iran after the reform era, one of the less analyzed factors is the relationship between identity and social movements. This research examines the connection between identity and socio-political tensions on three levels: subnational (ethnic), national, and transnational (global). Several examples of tensions and unrest occurring within Iran's borders were analyzed. The findings indicate that some of the tensions and unrest during this period had identity-related origins, which must be considered in any analysis and interpretation. Today, identity is one of the most significant drivers of new social movements.

**Keywords:** Identity, Social Movements, Discourse Analysis, Political Tensions, Globalization.

### مقدمه

با ورود به قرن بیست و یکم، جهان شاهد تحولات متعدد و گسترده‌ای شد که ابعاد مختلف زندگی بشر را تحت تأثیر خود قرار داد و در این میان، یکی از چالش برانگیزترین تغییرات، دگرگونی در ابعاد شناختی و به طور دقیق‌تر هویتی مردمان روزگار ماست. در گذشته‌های نه چندان دور، هویت هیچ‌گاه به عنوان مسأله مهمی به شکل امروز مطرح نبود، زیرا زندگی افراد در مسیرهای تعیین شده که توسط اعتقادات و ارزش‌های سنتی هدایت می‌شد، حرکت می‌کرد، اما افول منابع هویت ساز سنتی، مثل الگوهای خانوادگی و ارزش‌های مذهبی از یک سو و رشد روز افزون و سریع الگوهای هویت‌ساز جدید مثل رسانه‌ها، تکنولوژی (که همگی در جنبشهای اجتماعی جدید مولفه‌ای موثرند) و به طور کلی، فرآیند نوسازی و توسعه، هویت افراد از خردترین تا کلانترین سطح آن دچار تغییر و دگرگونی شده است. جی‌دان معتقد است که اهمیت و رواج فزاینده سازه هویت اجتماعی و مضامین مربوط به آن در دوره معاصر، ناشی از واقعیتی است که دوران گذار - حرکت از جامعه سنتی به مدرن - نامیده می‌شود؛ دوره‌ای که تغییرات شدید هویتی را موجب شده است (رستگار و ربانی، ۱۳۹۲: ۱). به همین دلیل هویت کاوی یکی از عمده مسایل جامعه شناسی سیاسی بالاخص در جوامع در حال گذار است (کلانتر مهرجردی و خرمشاد، ۱۳۹۶: ۷۱).

غیر از وجه ممیزه نطق و ناطقیّت، که معمولاً به صورت سنتی و کلاسیک عنصری است که فلاسفه برای تفاوت انسان و حیوان لحاظ می‌کنند، هویت وجه ممیزه‌ای است که جامعه شناسان برای تعریف انسان در نظر دارند. هویت یکی از مهم‌ترین وجوهی از حیات انسان است که او را از یک اندامواره زیستی بدل به موجودی انسانی می‌کند. هویت در بروز و تجلی بیرونی خود گاهی چنان حائز اهمیت است که در طول تاریخ انسان‌های بیشماری برای دفاع از آن حتی تا پای جان نیز ایستاده‌اند. لذا هویت‌ها تنها برجسب‌های اجتماعی آدم‌ها نیستند بلکه می‌توان گفت که طبیعت ثانویه (Second nature) آنها را شکل می‌دهند.

وقتی مسئله هویت به عنوان عاملی برای فعالیت و کنشگری در جنبش‌های اجتماعی و تنش‌های سیاسی لحاظ می‌شود، این پدیده ماهیتی رابطه‌ای پیدا می‌کند، و اکنون باید از «هویت در جنبش» سخن گفت. برای مثال، یک شهروند تهرانی در بهمن سال ۵۷ به اعتبار این که در انقلاب اسلامی مشارکت می‌کرد، دیگر هویت شهروند ایرانی ساکن در تهران را

نداشت، بلکه او یک فعال انقلابی بود، سوژه تغییر و دگرگونی؛ و از همین رو، منابع هویتی خودش را در مراجعی می‌جست که ایدئولوژی انقلابی را صورتبندی و ترویج می‌کردند. از این جهت، هویت که یک پدیده شخصی است، در رابطه با تحولات اجتماعی، تحرک و فعالیتی می‌یابد که متفاوت از صرف هویت بماهو هویت است. در اینجا باید پرسش از نسبت هویت و جنبش‌های اجتماعی و تنش‌های سیاسی را مدنظر داشت، کما این که، سوال اصلی این تحقیق نیز بر چنین مسئله‌ای متمرکز است.

ناآرامی‌های اجتماعی که به واسطه تنش‌های اقتصادی-سیاسی به وجود می‌آید، از جمله مسائلی است که می‌تواند از رهگذر بحث هویت‌های اجتماعی، و به طور خاص‌تر، بحث تکثر این هویتها مطرح شود. بررسی عامل هویت‌های متکثر در همه زمینه‌ها و چاره‌جویی برای شناخت، پیش‌بینی، پیشگیری، مقابله و ترمیم آن بر اساس مدیریت ناآرامی‌ها بحثی است که علاوه بر نظام‌های سیاسی، سازمان‌های فعال در بخش دولتی و غیردولتی، سایر بخش‌های اجتماعی و حتی خانوادگی و فردی را نیز درگیر می‌کند. از همین رو، این تحقیق این سوال اصلی را مدنظر قرار داده است که تکثر هویت‌های اجتماعی چه تاثیری بر تنش‌ها و ناآرامی‌های اجتماعی در ایران پس از عصر اصلاحات داشته است. در ادامه ضمن بررسی چارچوب نظری، موضوع تحقیق در بستر اجتماعی و تاریخی آن و با توجه به سه سطح فروملی (قومی)، ملی، و فراملی بررسی خواهد شد.

### ادبیات تحقیق

می‌توان از تحقیقات زیر به عنوان تحقیقاتی که با بخشی از تحقیق حاضر مرتبط‌اند نام برد: «تحولات قومی در ایران: علل و زمینه‌ها» نوشته مجتبی مقصودی که در آن منازعات و ناآرامی‌های قومی بر اساس ابعاد سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، روان‌شناختی و تاریخی بررسی شده است. «بحران هویت قومی در ایران» نوشته علی الطائی با استفاده از مفاهیم جدید هویت ملی به بررسی بحران هویت قومی در ایران پرداخته است. اصلاحچی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به عنوان «پیش‌بینی ناپذیری، کنش سیاسی ایرانیان» به موضوع هویت‌های متعارض ایرانیان و نقش آن در کنش سیاسی آنها و به همین دلیل پیش‌بینی ناپذیری آن پرداخته است. کریمی فرد (۱۳۹۵) در تحقیق تحت عنوان «بررسی انسجام و همبستگی هویتی - ارزشی نخبگان حاکم در ایران (۱۳۹۲-۱۳۵۷)» به موضوع تفاوت‌های هویتی در سطح کلان حاکمان در ایران توجه داشته و محدوده تاریخی آن مرتبط با تحقیق حاضر نیست. قربی و حیدری (۱۳۹۶) در تحقیق تحت عنوان «نقش همدلی در استحکام ساخت

درونی قدرت جمهوری اسلامی ایران» به موضوع هویت‌های متعارض توجه کرده و همدلی را به عنوان دلیل این استحکام در وحدت جمهوری اسلامی دانسته است. به اهتمام ابراهیم حاجیانی در کتاب «اعتراضات و ناآرامی های دی ماه ۱۳۹۶: تحلیل ها و برآوردها» که مجموعه‌ای از مقالات است به موضوع ناآرامی ها و مدیریت آنها نیز توجه شده است. پوستین چی و پاژن (۱۳۹۲) در تحقیقی تحت عنوان «الگوی مدیریت بحران در پرتو گسل های هویتی خاورمیانه» به موضوع و ارائه الگوی مدیریتی پرداخته اند و ذیل آن به گسل- های هویتی در خاورمیانه نیز اشاره داشته اند که هویت‌های متعارض در ایران را نیز در بر می گیرد. روحی (۱۳۸۴) در تحقیق تحت عنوان «مردمی کردن امنیت در مدیریت بحران؛ بررسی مورد کردستان» به اهمیت جهت‌دهی به هویت‌های متعارض در جهت استفاده از آنها در مدیریت بحران پرداخته و انتخاب او هویت مردمان کرد در مقابل قومیت‌های دیگر ایرانیان و استفاده از امنیت در همسو کردن آنها می‌باشد.

### چارچوب نظری: هویت

هر جامعه‌ای اگرچه در ظاهر یک کلیت واحد را شکل می دهد اما متشکل از افراد منفرد و یگانه ای است که هر یک از دیگری متمایز می باشند. یعنی آن که یک جامعه در فرم ایده‌آل خود بایستی وحدت در کثرت و کثرت در وحدت باشد. کثرت ها اشکال متفاوت هویت های حاشیه‌ای اند که در پناه وحدت هویت متعالی‌ای قرار می گیرد که بسان یک چتر واحد تمامی تکثرها را در خود می گیرد. تمایز هر فرد انسانی «هویت (Identity)» او را شکل می دهد لذا افراد می‌کوشند تا این تمایزها را بسان وجه تفاوتی که بار ارزشی دار حفظ کنند (بوردیو، ۱۳۹۳).

واژه «Identity (هویت)» ریشه در زبان لاتین دارد (Identitas) که از Idem یعنی مشابه و یکسان ریشه می گیرد) و دو معنای اصلی دارد: اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق است: این با آن مشابه است. دلالت دوم آن به معنای تمایز است که با مرور زمان سازگاری و تداوم را فرض می گیرد. به این ترتیب مفهوم هویت به طور همزمان میان افراد یا اشیاء دو نسبت محتمل برقرار می سازد: از یک طرف، شباهت و از طرف دیگر تفاوت (جنکینز، ۱۳۸۱:۱۴؛ اشرف نظری، ۱۳۸۶:۲۹). در این راستا مسأله هویت با نکات چندی گره خورده است: منابع هویت، پیوندهای بینا-هویتی، بقا و پایایی هویت‌ها، تحول و دگرگونی آنها، و نهایتاً کژدیسگی (distortion) و دگرگونی هویت‌ها.

هویت برای یک انسان از ضروریات زیستن در جامعه است و می‌توان آن را یکی از پایه‌ای‌ترین نیازهای حیات بشری (در بُعد اجتماعی) دانست. معمولاً در یک جامعه هویت-های چندگانه‌ای وجود دارند که اصولاً در همزیستی با یکدیگر یک هویت متعالی‌تری را، که همان هویت ملی است، شکل داده‌اند. هویت‌ها می‌توانند از منابع سیاسی (گرایش‌های سیاسی - ایدئولوژیک، احزاب، گروه‌های ذی نفوذ، سندیکاها، نهادهای مدنی و مانند اینها)، مذهبی (قشربندهای دینی - مذهبی، گروه‌های عرفانی) جنسیتی (مذکر یا مونث بودگی بیولوژیکی [sex] و برساخته اجتماعی آن [gender]) و طبقاتی (وابستگی‌های اقتصادی - منزلتی، مناسبات شغلی)، زبانی (زبانها و گویش‌های فروملی و محلی) و یا قومیتی (اقلیت‌های قومی یا نژادی) تغذیه شوند و در نهایت هویت اصلی را تشکیل بدهند.

هویت مفهومی است که معنای خود را از یک خوشه مفهومی (conceptual cluster) بزرگتر اخذ می‌کند و در صورت تغییر و تحول در نظام آن خوشه مفهومی اصلی، خود نیز دچار تغییر و تحول می‌شود. خوشه‌های مفهومی ساختار ادراکی شناخت را شکل می‌دهند. برای مثال اگر در خوشه مفهومی مذهب یا زبان تغییری ایجاد شود متعاقباً در مفاهیم همبسته با آن نیز تغییراتی ایجاد خواهد شد. برای نمونه‌ای عینی می‌توان از ظهور خوشه مفهومی شهروندی (citizenship) در تاریخ اندیشه غربی یاد کرد که به دنبال آن مبارزه‌های مبتنی بر هویت و تمایز (جنسی، نژادی، قومی، زبانی و مانند اینها) کانون مبارزه را بر مبنای مفهوم یاد شده و با استناد به آن تغییر دادند. لذا بایستی توجه داشت که هویت‌ها اگرچه گاهی هسته‌ای سخت و متراکم دارند ولی عوامل متعددی می‌توانند منجر به تغییر در ساختار مفهومی آنها شوند که خود می‌تواند بر نوع کنش افراد در جامعه و عرصه‌های مختلف آن تاثیر گذار باشد.

بحث آنتونی گیدنز و پیوندی که میان مفهوم هویت و تجدد (مدرنیته)، و تغییرات جهانی ایجاد می‌کند در فراهم کردن یک الگوی تحلیلی برای فهم سیال شدن هویت در جهان معاصر (و بازسازی هویت در فرایند بازاندیشی) و همچنین شکل‌گیری هویت‌های فراملی و جهانی می‌تواند راه‌گشا باشد. از نظر گیدنز امروزه هویت امری مستقل نیست و تغییراتی که در فرایند جهانی شدن ایجاد می‌شود کاملاً بر آن تاثیر می‌گذارد، به صورتی که حتی خصوصی‌ترین وجوهات زندگی شخصی ما نیز تحت تاثیر این تغییرات قرار می‌گیرند. لذا هویت دائماً در یک فرایند دیالکتیکی میان دو قطب محلی و جهانی ساخته می‌شود و بر مبنای اطلاعات و مولفه‌های جدیدی که به فرد منتقل می‌شود مورد بازاندیشی

قرار می‌گیرد. بحث‌گیدنز در این زمینه مبتنی بر تحلیل او از مفاهیم زمان و مکان در عصر مدرنیته است. با تغییری که این دو مفهوم در عصر مدرنیته پیدا کرده‌اند و فشردگی‌ای که بر آنها اعمال شده است این امکان فراهم شده تا خود و جامعه به تعامل با یکدیگر پردازند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۶).

سطح و ابعاد فاصله‌گیری زمانی- مکانی در دوران تجدد کنونی به چنان حدی از گسترش رسیده است که برای نخستین بار در تاریخ بشریت خود و جامعه در محیطی جهانی با یکدیگر به تعامل می‌پردازند و در فرایند این تعامل و دیالکتیک ما بین آنها هویت برساخته می‌شود. لذا در چنین فضایی احتمال آن هست که ارزش‌ها و نگرش‌ها دائماً دچار تغییر و تحول شوند و از پی آن هویت‌ها نیز تغییر کند. بنابراین می‌توان گفت که مفهوم و مصداق هویت تصلب سابق خود را از دست داده و در عصر مدرن و فرایند جهانی شدن دچار سیالیتی خاص شده است.

جهانی شدن از نظر گیدنز گونه‌ای تداوم تجدد (یا مدرنیته) است که این پدیده را بدل به امری فراگیر نموده است. جهانی شدن به معنای در هم گره خوردن رویدادهای اجتماعی و روابط اجتماعی سرزمین‌های «دور دست» با تار و پود موضعی یا محلی جوامع دیگر است. پدیده جهانی شدن را باید به شیوه‌ای متقابل در نظر گرفت شیوه‌ای که به موجب آن رویدادهای یک قطب از ارتباط‌های بسیار دور اغلب رویدادهای متباین یا حتی متضاد در قلب دیگر به وجود می‌آوردند.

از سویی دیگر، هویت‌ها در درون نظام‌های سیاسی می‌توانند به واسطه فرآیند جامعه‌پذیری (Socialization) شکل بگیرند. در یک نگاه افراطی جامعه‌پذیری گونه‌ای اهلی کردن است که بر مبنای آن فرد دعوت شده است تا هنجارها، ارزش‌ها، نگرش‌ها، نقش‌ها، دانش‌ها و مهارت‌ها را درونی کند و مجموع این یادگیری‌ها به مثابه برنامه‌ای مقدر هستند که بعداً [انتظار می‌رود] به صورت ماشینی [و سیستماتیک] به اجرا گذاشته شوند (بودون، ۱۳۸۵: ۲۳۰). غالباً فرآیند جامعه‌پذیری به دنبال برساختن هویت‌های ملی هستند که به تبع شکل‌گیری و تکوین دولت-ملت‌ها از ضروریات فضای شهروندی است.

بنابراین برای تحلیل هویت از نظر گیدنز می‌توان پارامترهایی استخراج کرد و آن را بر مورد مطالعاتی (case study) اعمال نمود. در الگوی هویت‌گیدنزی می‌توان این نکات را مدنظر داشت:

الف) برساختگی هویت: تأثیری که خود فرد بر ساخت و بازسازی هویت خود دارد. به همین معنا می‌توان گفت که هویت امری سیال است که دائماً در چارچوب این روابط در حال باز-ساخت و بازسازی خود است؛ تجدد(modernity): هویت را امروزه بایستی بر بستر تجدد و تأثیر و تأثری(فرایند دیالکتیک) که با آن دارد بررسی کرد؛

ب) جهانی شدن: فرایند فراگیری است که بر حیات معاصر ما حاکم شده و اجازه نمی‌دهد هیچ حوزه‌ای مستقل از این فرایند عمل کند. در عصر جهانی شدن استقلال و تفردهای جزئی و محلی(local) معنای سابق خود را از دست داده است؛

ج) بازانداشی: عملکردهای اجتماعی در پرتو اطلاعات تازه درباره‌ی این عملکردها پیوسته بررسی و اصلاح می‌شوند و در نتیجه خصلت شان را به گونه‌ی سازنده‌ای تفسیر می‌کنند و تغییر می‌دهند؛ جدایی زمان و مکان: در عصر تجدد و متعاقباً در فرایند جهانی شدن زمان و مکان به نحوی بی سابقه از یکدیگر فاصله گرفته‌اند و حالتی جا به جا شونده پیدا کرده‌اند.

بنابراین باید توجه داشت که فرایند تکوین هویت از سویی ملی است و از سویی جهانی؛ از جهتی تاریخی و میراثی است و از جهتی آموزشی و اکتسابی. از همین رو، هویت در سطوح متداخلی از میراث تاریخی و گفتمان‌های معاصر و تعاملات جهانی شکل می‌گیرد، و از همین جهت، ما در جهان معاصر به تعبیر داریوش شایگان با هویت‌های چهل تکه و چندپاره روبرو هستیم(شایگان، ۱۳۸۸:۱۳۳). این هویت‌های چهل تکه بازتابی از هستی‌شناسی سست و ضعیف و شکسته است که دیگر نمی‌تواند بنیاد متصلب جهان را شکل بدهد(شایگان، ۱۳۸۸:۲۷۲).

### هویت‌های ایرانی

هویت شخصی هر کس به شدت تحت تأثیر محیط و شرایط فرهنگی اوست، چنان که گیدنز یادآور می‌شود محتوای هویت شخصی مانند دیگر عرصه‌های وجودی، از نظر اجتماعی و فرهنگی متغیر است. برای مثال نام شخص، نخستین عنصر زندگینامه‌ای اوست. آداب و رسوم، نام‌گذاری اجتماعی، این که نام افراد تا چه حد معرف روابط خونی و خویشاوندی آنهاست، همه برحسب فرهنگ‌های مختلف تغییر می‌کنند. از نظر گیدنز از آنجا که خود(self) شخص پدیده‌ای نسبتاً بی شکل است، هویت شخصی را نمی‌توان منحصرأ برحسب ماندگاری‌اش در زمان مورد توجه و رجوع قرار داد. هویت شخصی برخلاف خود، به‌عنوان پدیده‌ای عام، مستلزم آگاهی بازتابی است. هویت در واقع همان

چیزی است که فرد، چنان که در اصطلاح خودآگاهی آمده است، به آن آگاهی دارد. به عبارت دیگر، هویت شخص چیزی نیست که در نتیجه تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد. در نهایت به اعتقاد گیدنز، هویت شخصی در حقیقت همان خود است که شخص آن را به‌عنوان بازتابی از زندگینامه‌اش می‌پذیرد. در اینجا نیز هویت به‌معنای تداوم فرد در زمان و مکان است و هویت فردی نیز بازتاب تغییری است که شخص از آن به عمل آورده است. هویت هر فرد در عین حال هم زائیده نهادهای امروزی هستند و هم به آن‌ها شکل می‌دهند. خود، مفهوم منفعلی نیست که صرفاً تحت تأثیرات بیرونی شکل گرفته باشد، افراد در روند شکل‌گیری هویت شخصی خویش، صرف نظر از کیفیت محلی یا موضعی اعمال و افعال آن‌ها، به‌طور مستقیم در ایجاد و اعتلای بعضی از تأثیرات اجتماعی نیز مشارکت دارند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۸۵).

در همین راستا، شهروندان ایرانی در دوره معاصر به‌مانند تمامی انسان‌های دیگر حامل عناصری هویتی هستند که به‌طور کلی از دو سطح منابع همزمانی (synchrony) و در-زمانی (diachrony) تغذیه می‌کنند. منابع هویتی در-زمانی برشی تاریخی و در طول زمان را مدنظر دارد و به بررسی منابعی می‌پردازد که در طول تاریخ و دوران (epoch)‌های اصلی تاریخی از مولفه‌های ثابت تولید و توزیع ارزش‌های معناساز برای خلق هویت انسان ایرانی بوده است. در میان این دسته منابع می‌توان از زبان، مذهب و دیانت، اساطیر و افسانه‌ها، آگاهی تاریخ و مانند اینها یاد کرد. در مقابل منابع هویتی در-زمانی می‌توان از منابع هویتی همزمانی نام برد که در زنجیره تاریخی معاصر و در عرض یک دوره تاریخی (period) مشخص توانسته‌اند هویت افراد را تغذیه کنند. منابع هویتی همزمانی و در-زمانی با یکدیگر در پیوند هستند و اغلب نمی‌توانند از یکدیگر گسسته باشند، چرا که چنین فرضی به منزله فروپاشی هویت و از دست شدن پیوستگی آگاهی تاریخی است. اگر در جامعه یا گروهی از افراد میان منابع هویتی در-زمانی و همزمانی گسست ایجاد شود به بحران هویت افراد منتهی خواهد شد که معمولاً این بحران هویتی یکی از مولفه‌های تولید بزهکاری در جامعه است (نمونه بارز چنین پدیده‌ای در حاشیه‌نشین‌های فرانسوی دیده می‌شود که معمولاً دورگه‌های آفریقایی-فرانسوی هستند؛ آنها در خلاء هویتی سریعاً جذب ایدئولوژی‌های رادیکال می‌شوند (بک، ۱۳۹۸: ۳۷). مشارکت این افراد در جریان اقدامات

تروریستی داعش بروز این بحران است). بنابراین فهم بسیاری از کنش‌ها افراد متوقف بر درک هویت آنها است، هویتی که اصولاً در گفتمان و به واسطه آن ساخته می‌شود. بر اساس نظر لاکلا و موفه همه چیز در گفتمان وجود دارد و به عبارت دیگر هیچ چیزی خارج از گفتمان نمی‌تواند حائز معنا باشد. از نظراین دو هویت‌ها (حداقل در عصر کنونی) به شدت از طریق تعارضاتی که در گفتمان‌ها نمود پیدا می‌کنند شکل می‌گیرند. در نظریه گفتمان، فرد به مثابه یک سوژه خودمختار و آزاد وجود ندارد و به بیانی آلتوسری مردم توسط گفتمان‌ها استیضاح (interpellation) می‌شوند و در موقعیت‌های خاص سخن‌گویی قرار می‌گیرند و «سوژه‌ها را باید به مثابه موقعیت سوژه در یک ساخت گفتمانی فهمید» و از آنجایی که هیچ گفتمانی کاملاً تثبیت شده و تعیین یافته نیست، از این رو سوژه و یا به عبارتی هویت‌ها نیز هیچ‌گاه نمی‌توانند تعیین یابند و همیشه در حال تغییر و دگرگونی هستند. لاکلا علت چنین دگرگونی‌هایی را در تعارضات بین گفتمان‌ها می‌داند و از این رو به نظر وی هویت یک امر کاملاً سیاسی است. «به طور کلی بازتولید معنا و تغییر نحوه انتساب معنا اعمالی سیاسی‌اند. نباید از سیاست در نظریه گفتمان تعریف محدودی مانند سیاست به شکل حزبی آن ارائه کرد؛ بلکه به عکس مفهوم گسترده‌ای است و به رفتاری اشاره دارد که طی آن پیوسته امر اجتماعی را به گونه‌ای می‌سازیم که سایر شیوه‌ها را طرد می‌کند» (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۷۱).

در موضوع هویت، هر گفتمان با مرکزیت بخشیدن به یک دسته از عناصر و مولفه‌ها و به حاشیه راندن برخی عناصر و مولفه‌های دیگر به مفصل‌بندی هویت‌های کانونی و حاشیه‌ای به عنوان دو الگوی در تقابل با یکدیگر می‌پردازد که حاصل این فرایند تأسیس مرزهای هویت اصیل یا غالب و خلق یک غیریت در برابر آن است. بر این اساس نتیجه گرفته می‌شود که گفتمان هویت خود را به واسطه نوع ارتباطی که با سایر گفتمان‌ها دارند بازتعریف می‌کنند. گفتمان وقتی توانست به یک ثبات نسبی برسد و نظام معنایی خود را تثبیت نماید به یک گفتمان هژمونیک تبدیل می‌گردد. زمانی که یک گفتمان نشاط خویش را از دست دهد و دچار تصلب و عدم انطباق با زیست بوم اجتماعی خود گردد زوال و افول آن شروع می‌شود. (مقصودی، حاجی پور ساردویی، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۸)

لذا عناصر هویتی همزمانی غالباً مولفه‌های هویتی در-زمانی را اخذ کرده ولی بار معنایی آنها را تغییر می‌دهند یا آنها را در مولفه‌های دیگر ادغام می‌کنند. چنین چرخشی در نسبت دال و مدلول عناصر هویتی معمولاً در گذار بین گفتمانی اتفاق می‌افتد. از مهمترین منابع

هویتي همزمانی می‌توان گفت‌های سیاسی، ارزش‌ها و نگرش‌های متأثر از تغییرات زمانی-مکانی، تغییرات منطقه‌ای و جهانی را نام بُرد. برای مثال در دههٔ ۱۹۵۰ میلادی در منطقهٔ خاورمیانه با ظهور جنبش ملی شدن صنعت نفت و اقدامات شورانگیز دکتر محمد مصدق رهبر این جنبش، ناسیونالیسم و مقاومت در برابر سیاست خارجی مداخله جویانهٔ غرب یکی از منابع هویت‌زا در این منطقه بوده است که بر مولفه‌های هویتی در-زمانی افراد در این منطقه در این دورهٔ تاریخی خاص افزوده شده و برای آنان تولید ارزش و معنا می‌کرده است.

با این توصیفات می‌توان گفت که سطوح متداخلی که هویت ایرانی معاصر را شکل می‌دهد، اولاً چندمنبعی است، و ثانیاً چهل تکه و کولاژی (Collage) است. هویت تاریخی ایرانی بر مبنای سه مولفهٔ زبان و دیانت و سرزمین شکل گرفته است. غیر از این سه «آبرلایهٔ هویتی» (زبان، دیانت، سرزمین) که در طی تاریخ معمولاً نظام ثابت ارزش آفرین و معناساز برای هویت افراد، در تاریخ ما، بوده‌اند که زنجیرهٔ در-زمانی هویت را تشکیل داده‌اند، گفت‌های سیاسی به مثابه منابع هویتی همزمانی نیز حضور داشته‌اند. گفت‌های سیاسی معمولاً تلاش می‌کنند تا عناصر و مولفه‌هایی را از نظام در-زمانی هویت اخذ کنند و آن را «تغلیظ» کنند. سپس گفت‌های سیاسی «دالّ تغلیظ شده» را در کانون زنجیرهٔ معنایی خود قرار می‌دهد و تلاش می‌کند تا «سوژه»ی خود را بر مبنای همان دالّ تغلیظی تعریف کند. از دهه‌هایی قبل از مشروطه تاکنون، این دال‌های تغلیظ شده معمولاً بر محوریت سه لایهٔ هویتی دور می‌زده‌اند: ایران، اسلام، و مدرنیته (تجدد). ایران و اسلام دو لایهٔ هویتی بوده‌اند که پیش‌تر در زنجیرهٔ در-زمانی منابع هویت ساز ما وجود داشته‌اند؛ ولی از اواخر صفویه به این سو، و از پی ورود غربیان به سپهر معرفتی ما و فضای سیاسی‌مان، مفهوم تجدد یا مدرنیته نیز به زنجیرهٔ منابع هویتی در-زمانی ما افزوده شد و حضوری فراگیر یافت. زین پس مثلثی (ایران-اسلام-مدرنیته) شکل گرفت که افراد تلاش می‌کردند خود را بر مبنای آن تعریف کنند (برای مثال، القابی مثل باکلاس، دهاتی، یا اُمُل، که در محاورهٔ فارسی معاصر از آنها استفاده می‌شود، آشکارا و ناخودآگاه در درون این مثلث تعریف شده است).

با ورود تجدد به ایران نظام‌های گفت‌مانی تلاش کردند تا نسبت قدیم (سنت) با جدید (مدرنیته) را تعریف کنند و خود را بر محوریت این تعریف بازاندیشی کنند. البته این

بازاندیشی هویت در مواجهه با تمدن غربی، نه صرفاً خاص ایران، بلکه سرنوشت مشترک همه کشورهای اسلامی خاورمیانه بود چرا که اصولاً «مسأله حاکم بر سیاست منطقه خاورمیانه در قرن بیستم عبارت است از واکنش نسبت به تماس با غرب. ملت‌های این منطقه از قرن نوزدهم با اروپا در ارتباط بودند؛ اروپایی که هم بیزاری و هم تحسین آنان را برمی‌انگیخت و برای این ملت‌ها منشأ دریافت‌های فنی و فرهنگی، آشوب‌ها و بی‌نظمی‌های اقتصادی و جمعیتی، و دخالت‌ها و نفوذهای خارجی بود (درینیک، ۱۳۶۸: ۱۷)». بنابراین مواجهه منجر به دگرگونی در ماهیت هویت یکپارچه سنتی می‌شد.

از دهه‌هایی قبل از مشروطه تا به امروز گفتمان‌های حاکم بر فضای فکری ایران معمولاً در یکی از سه محوریت زیر نسبت قدیم (سنت و زنجیره در-زمانی لایه‌های هویتی) و جدید (مدرنیته، همچون یکی از لایه‌های هم‌زمانی/در-زمانی هویت ساز) را تعریف کرده اند: ۱- هواخواهان «وداع با سنت» که با نفی سنت تمام قد از تجدید دفاع می‌کردند (مانند روشنفکران صدر مشروطه: تقی زاده، طالبوف)؛ ۲- «نوستالوژی سنت»، که با نفی تجدید کماکان مرید و هواخواه سنت باقی ماندند (مانند طیف فکری شیخ فضل الله نوری)؛ ۳- «احیای سنت»، که به دنبال ایجاد گونه‌ای پیوند میان قدیم و جدید بودند (که نمونه شاخص آن تلاش علامه نائینی در تنبیه الامه و تنزیه المله برای بازخوانی فقه سیاسی شیعه با مفاهیم جدید است).

هر یک از گفتمان‌های حاکم بر فضای فکری ایران خود را بر محوریت یکی از این تعاریف موجودیت می‌بخشید و تلاش می‌کرد تا بر مبنای آن، مفهوم تغلیظی یا دال مرکزی یا گره‌گاه کانونی (Nodal Point) خود را تعریف کند. بدیهی است که گفتمان‌هایی که می‌توانسته‌اند به قدرت سیاسی دست پیدا کنند معمولاً می‌کوشیدند تا با کاربرد ابزارهای سیاستگذارانه یا اهرم‌های قدرت دال مرکزی خود را بسان یگانه منبع هویت ساز به جامعه معرفی کنند و آن را در سوژه‌های گفتمان نهادینه و درونی سازند. بنابراین تکثر منابع هویتی منجر به منشوری بودن و طیفی بودن هویت می‌شد.

تحولات تکنولوژیک و ظهور پدیده‌هایی مثل فضای مجازی این درهم‌تنیدگی و چهل تکه‌ای و چندپارگی شدن هویت، دو صد چندان شد تا جهانی شبیح گونه (Fantomatisation) ایجاد گردد: حضور همه جایی، بی واسطگی و آنی بودن که مشخصه‌های این جهان جدید مجازی اند، به معنایی زمینه ساز پیدایش امور غیر ملموس و غیر محسوس اند و ما را آماده ساخت های مجازی هستی می‌کنند... یک لحظه تضادمند

(پارادوکسال)... شیوه‌های هستی، سیال و ممتد... در آن واحد همه جا باشیم و هیچ جا نباشیم... حاصل این پیوند، جهانی است که در آن بازمانده‌ها و بقایای جهان بینی‌های کهن با شیوه‌های جدید مجازی سازی در هم می آمیزند. و از آنجا که این باورهای کهن هیچ جا و مکانی برای ظهور ندارند، در قالب جهانی سپهر اطلاعات (سایبر اسپیس) جاری می شوند و بدین ترتیب خصلت شبح گونه آنها تشدید می گردد. در این زمینه، جادوی تکنولوژی پیشرفته و تجربه‌های فراحسی برخاسته از روش‌های مراقبه درونی، به هم می پیوندند تا دنیایی تکنیکی - جادویی برون افکنند که معلوم نیست ادراکهای فراحسی آن غالب است یا بازپچه‌های شگفت انگیز علمی - تکنیکی آن (شایگان، ۱۳۸۸:۳۳۲). بنابراین در کنار فضاها واقعی کنشگری، باید به فضای مجازی فعالیت نیز توجه داشت. شبکه‌های اجتماعی در این فضای مجازی حالت هژمونیک داشته و می‌توانند با شکل دادن به هویت از افراد بازیگران سیاسی و اجتماعی بسازند. چرا که «شبکه‌های اجتماعی در عصر فنآوری اطلاعات و ارتباطات اثرات زیادی داشته اند تا جایی که آثار انکار ناپذیری در به وجود آوردن بحران‌ها، رفتارها، حرکات اعتراضی شورش‌ها و همچنین مقابله با بحران‌ها و مشکلات اجتماعی دارند (استیری، ۱۳۹۶:۱۱۷)».

بنابراین هویت در ایران معاصر پس از عصر اصلاحات ماهیتی منشوری و چندبُعدی و طیفی و چندگانه و متعارض دارد و از لایه‌های متداخل همزمانی و در زمانی در سطح ملی تاریخی، از یک سو، و از سوی دیگر، ابعاد جهانی شده و مجازی شده، بهره‌مند است که هر یک از این ابعاد می‌توانند در برهه خاصی فعال شود. مثلاً شخصی می‌تواند با هویت مذهبی در مناسک دینی شرکت کند و در طرفداری از پیروزی تیم فوتبال آرسنال شادی کند. این فرد مثالی، چون دارای منابع هویتی متعدد است در یک جا می‌تواند بخشی از حرکت عظیم دینی-الاهی باشد و در جایی دیگر بخشی از انبوه تماشاچیان یک ورزشگاه؛ او یک نفر است، اما با هویت‌های متکثری که به اجتماعات مختلف و گاه متعارض، احساس همبستگی می‌کند.

از منظر سطح تحلیل، اگر واحد اصلی تحلیل هویت، دولت-ملت لحاظ گردد، از همین رو، هویت قومی سطح فروملی را تشکیل می‌دهد. سطح تحلیلی ملی هویت‌هایی هستند که به واسطه تکوین دولت-ملت شکل گرفته‌اند که عموماً هویت شهروندی‌اند و غالباً مطالبات سیاسی به واسطه این هویت دنبال می‌شود. و در نهایت، سطح فراملی را باید مد نظر داشت که به واسطه جهانی شدن و شبکه‌های ارتباطی عصر اطلاعات شکل گرفته است. از همین

رو، در ادامه، با توجه به اهمیت غیرقابل انکار هویت در جنبش‌های اجتماعی جدید، در نسبت هویت و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی در ایران پس از عصر اصلاحات این سه سطح تحلیلی مورد توجه قرار خواهد گرفت.

### هویت‌ها و تنش‌های اجتماعی و سیاسی در ایران

با توجه به تعاریفی که از هویت ارائه شد و همچنین سطوح تحلیلی فراملی، ملی، و فراملی، در این قسمت، پرسش اصلی تحقیق که نسبت میان هویت و تنش‌های اجتماعی و سیاسی است با توجه به این سطوح تحلیلی و با توجه به نمونه‌های موردی تنش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی رخ داده در این بازه زمانی مورد کندوکاو قرار می‌گیرد:

#### الف) هویت قومی و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی

با تشکیل دولت-ملت‌ها، یکی از اولین منابع هویتی که عموماً مجرای برای ایجاد تنش-ها و ناآرامی‌های اجتماعی و سیاسی می‌شوند، هویت‌های قومی هستند. در ایران نیز با تکوین دولت، پهلوی اول و دوم، با توسل به دیدگاه وحدت ملی، رویکردهای آمرانه، تبعیض‌آمیز، محدودکننده و سرکوبگرانه مختلفی نسبت به اقوام (دورکوندی، طاهری خنکداری، و پور آخوند، ۱۴۰۱: ۱۲۹) و هویت‌های قومی اتخاذ کردند. در حالی که هویت و هویت قومی از نیازها روانی انسان و پیش نیاز هر گونه زندگی اجتماعی است. بدون چارچوبی برای تعیین هویت اجتماعی، افراد همانند یکدیگر خواهند بود و هیچ کدام از آنها نمی‌تواند به صورتی معنادار و پایدار با دیگران ارتباط و پیوند یابد. علاوه بر این، هویت به زندگی افراد معنا می‌بخشد. امانوئل کاستلز (Manuel Castells) معتقد است که هویت فرآیند ساخته شدن معنا بر پایه یک ویژگی فرهنگی یا یک دسته ویژگی‌های فرهنگی است که بر دیگر منابع معنا برتری دارد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۲۰). بدون وجود چارچوب‌های مشخصی که شباهت‌ها و تفاوت‌ها را مشخص و آشکار می‌سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر میان خود نخواهند داشت؛ کشور ایران از جمله کشورهایی است که در آن مرزهای سیاسی بر مرزها فرهنگی و اجتماعی منطبق نیست و به همین جهت گروه‌های قومی، نژادی و مذهبی زیادی را در خود جا داده است (ترکی، ۱۳۹۹: ۳).

در تنش‌های قوم‌پایه، نکته‌حائز اهمیت این است که اولاً مبنای فاعلیت در این ناآرامی‌ها هویت قومی است. ولی، ثانیاً، به سرعت می‌تواند عناصر رادیکال هویت قومی در تعارض با هدف اولیه وارد میدان شده و ناآرامی را به سمت خواسته‌های جنبش‌های

جدایی طلب پیش ببرد. در این مرحله، عموماً مداخلات بیرونی (به ویژه از ناحیه رسانه‌های خارجی که مقاصد کشورهای رقیب را دنبال می‌کنند) بسیار موثر واقع می‌شود. برای مثال، یکی دیگر از ابعاد و عناصر هویت قومی مشخصاً زبان است که در این گونه موارد می‌تواند همچون مولفه‌ای رادیکال - بعضاً توسط دشمنان - شکلی از جدایی طلبی را به ناآرامی مدنی اولیه القا و تزریق کند. در برخی از موارد نیز یک عنصر قومی با یک عنصر اقتصادی همسو شده و می‌تواند همدیگر را تشدید (Resonance) کند که ممکن است موجب عدم تشخیص عنصر محرک ناآرامی گردد.

(ب) هویت ملی و تنش‌های سیاسی

با تشکیل دولت-ملت‌ها، هویت ملی اساساً تمایز فرد از گروه‌های فروملی - مثل عشایر و قبایل و اقوام - از یک سو، و از سویی دیگر، از هویت‌های فراملی و نا-دولتی - مثل هویت کاتولیک در امت مسیحی - می‌گردد. اصولاً برخورداری از هویت مستقل و ممتاز در حیات فردی و جمعی آدمی، به عنوان رکنی اساسی در زندگی و کشمکش او محسوب می‌شود. عنصر شناسایی، تفکیک و تمایزگذاری بین خود و دیگران به زندگی انسان معنا می‌بخشد و او را به تحرک و پویایی وا می‌دارد. در میان انواع گوناگون هویت، لایه‌ها و سطوح آن، که دامنه گسترده‌ای از هستی درونی فرد تا هستی جهانی وی را در بر می‌گیرد، وجود هویت ملی که در قالب واحدهای مستقل سیاسی، جغرافیایی و فرهنگی به نام کشور معنا می‌یابد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا کشور به عنوان یک واحد سیاسی مستقل، بسیاری از عناصر هویت بخش یک نظام اجتماعی را از سایر نظام‌ها متمایز و جدا می‌سازد (حاجیان، ۱۳۷۹: ۱۰۱). عموماً و غالباً هویت‌های ملی چون بر مبنای قرارداد اجتماعی شهروندی شکل گرفته‌اند، ظرفیت و استعداد بالایی برای تحرک بر محوریت مطالبات سیاسی دارند.

نمونه بارز تنش‌های سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی که بر مبنای هویت ملی (شهروندی) و بر محوریت مطالبات سیاسی در ایران پس از عصر اصلاحات رخ داده است، حوادث قبل و بعد انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸ است. پس از انتخابات، کشمکش سیاسی عمیقی که بیش از همه در درگیری‌های و موضعگیری‌های تنش‌آفرین نمود می‌یافت، به مدت هشت ماه جامعه ایران به ویژه پایتخت را فراگرفت. این بحران سیاسی پیامدهای منفی بسیاری بر سیاست و اقتصاد ایران داشته که از آن جمله می‌توان به این موارد اشاره کرد: آسیب دیدن وجهه بین‌المللی نظام جمهوری اسلامی؛ گسترش فضای

امنیتی در کشور؛ کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی و فرار سرمایه؛ افول ثبات اجتماعی و اقتصادی در کشور. در مورد ریشه‌های بحران ۱۳۸۸ به طور کلی دو تبیین هنجاری ارائه شده است؛ برخی اعتراضات سیاسی پس از انتخابات را یک جنبش اجتماعی در راستای نیل به دموکراسی قلمداد کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۸)؛ و برخی با تأکید بر نقش عوامل و رسانه‌های خارجی، آن را یک کودتای مخملی و فتنه عمیق نامیده‌اند (میرباقری، ۱۳۸۹)؛ با این حال نکته حائز اهمیت آن است که در هر دو رویکرد فوق، عوامل شکل‌گیری منازعات شدید سیاسی و اجتماعی نادیده گرفته شده است (نیاکوئی، ۱۳۹۳: ۲۰۱). مشارکت در انتخابات غالباً بر مبنای حق رأی صورت می‌گیرد. وقتی فرد از این حق خود بهره می‌برد، هویت شهروندی‌اش برای او فضای کنشگری ایجاد کرده است. بدیهی است که توسل به این حق تبعات حقوقی خود را نیز خواهد داشت، چرا که فرد انتظار دارد نتیجه کاربرد این حق منتخب شدن نامزد سیاسی مورد نظرش باشد. وقتی تعارضی بین واقعیت (عدم پیروزی نامزد محبوب فرد) و انتظارات (خواست پیروزی نامزد محبوب فرد) رخ می‌دهد، کنشگر انتخاباتی با اتکای بر هویت شهروندی‌اش و در شرایطی که نهادهای مدنی واسطه نمی‌توانند واکنشی موثر داشته باشند، سریعاً وارد تنش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی-اجتماعی شده و می‌کوشد تا نقش آفرینی کند. از این منظر تحلیلی، مواجهه و مدیریت و مهار چنین ناآرامی‌هایی اساساً باید با توجه به تعارض میان انتظارات ناشی از هویت شهروندی و واقعیت بالفعل سیاسی انجام گردد. از همین رو، باید این ناآرامی‌ها را شکلی از جنبش‌های اجتماعی جدیدی دانست که با رانۀ انرژی هویت شهروندی ایجاد شده است.

### ج) هویت فراملی و تنش‌ها و ناآرامی‌های سیاسی و اجتماعی

انقلاب اطلاعاتی که در چند دهه گذشته شکل گرفت، به تعبیر کاستلز، چنان هستی اجتماعی جوامع را دگرگون کرد که اصولاً ماهیت جدیدی شکل گرفت که سطوح ملی و فراملی را در یکدیگر ادغام کرد. چرا که انقلاب فناوری و اطلاعات، بحرانهای اقتصادی سرمایه داری و دولت سالاری و شکوفایی جنبشهای اجتماعی فرهنگی، ظهور «جامعه شبکه ای (Network society)» را موجب شد (کاستلز، ۱۳۸۰: ۴۱۷). بی تردید این جامعه شبکه‌ای هویت‌های جدیدی را تعریف و ایجاد کرده است که می‌توان آنها را هویت‌های فراملی نامید. برای مثال، هویت‌هایی که در شبکه‌های جهانی ارتباطی مانند فیسبوک، توئیتر

و اینستاگرام شکل می‌گیرند که ماحصل فرآیند جهانی شدن هستند، نمونه‌های بارز هویت‌های فراملی‌اند.

نگرش‌های مثبت و منفی متعددی نسبت به جهانی شدن و هویت ملی وجود دارد. از دید مثبت گرایان، جهانی شدن موجب پویایی و بالندگی هویت ملی می‌شود. زیرا ارزش هویت در بازار رقابت جهانی به میزان توان آن در رقابت و خودآگاهی و اعتماد به نفس و آگاهی از شرایط جدید بین‌المللی بستگی دارد. اما هنگامی که جهانی شدن نه به عنوان پروسه بلکه پروژه‌ای که بخواهد تسلط همه جانبه فرهنگ غربی را در پی داشته باشد، نگاه شود، جای شک و محل تأمل است. جهانی شدن هویت ایرانی را نیز به چالش طلبیده است و فرایند جهانی شدن از رهگذر دگرگون کردن شالوده‌های نظری، فرآیند هویت‌سازی را دستخوش تحولات جدی نموده است. به بیان دیگر، جهانی شدن نوعی فرایند و تحول دیالکتیکی را سبب می‌شود که از رهگذر آن مرزهای سیاسی فرهنگی و هویتی به طور فزآینده‌ای فرو می‌ریزد و جوامع مختلف در جامعه‌ای جهانی ادغام می‌شوند. فرهنگ‌های خاص و گوناگون به یکدیگر نزدیک می‌شوند و فرهنگ‌های عام شکل می‌گیرند و توسل به عناصر هویت بخش خاص فرهنگی نیز تشدید می‌شود (کاوسی و حسین زادگان، ۱۳۹۰: ۵۸).

به نظر می‌رسد بارزترین نمونه تنش‌های سیاسی و ناآرامی‌های اجتماعی در ایران پس از عصر اصلاحات که بر محوریت هویت‌های فراملی شکل گرفت را بتوان در اعتراضات و تنش‌ها و ناآرامی‌هایی یافت که به «جنبش زن، زندگی، آزادی» موسوم شدند. اساساً مبنای مشارکت در این اعتراضات مبتنی بر هویت‌های فراملی بود. شعار اصلی این اعتراضات که نام این جنبش هم شد در اصل یک شعار فراملی است. در ابتدا توسط کردهای ترکیه - هواداران حزب مخالفان پ. ک. ک. کرد - به کار گرفته شد و سپس در بخش‌هایی از سوریه و در نهایت به ایران رسید. ابزارهای به کار رفته نیز غالباً در بستر هویت‌های فراملی تعریف می‌شوند. برای مثال، هشتگ‌های توئیتری و اینستاگرامی، استوری‌های سریالی، فراخوان‌های فیسبوکی و مواردی مانند اینها. از جهتی دیگر، ارتباطی که بین رسانه‌های خارجی و بخشی از بدنه این جنبش وجود داشت، نشان از همان هویت فراملی است. فعالان این اعتراضات از مفاهیمی فمینیستی غربی تغذیه می‌کردند. سیمایی که از زن ترسیم می‌شد، بیش از آن که در چارچوب‌های هویت زن ایرانی معنا داشته باشد، در قاب همان جامعه شبکه‌ای می‌گنجید که این هویت‌ها را تعریف می‌کرد.

بدین گونه، هویتی فراملی می‌کوشید در درون اعتراضاتی نقش ایفا کند که اساساً مطالباتی یک دست و یک پارچه نداشت. طیف معانی مختلفی که بر سه گانه‌های این شعار - زن، زندگی، آزادی - بار می‌شد، آشکارا ماهیت متناقض و پاردکسیکال هویت فعالان آن را نشان می‌داد که خود برآمده از همان هویت فراملی بود. هویتی که چندان در چارچوب هویت‌های ملی قرار نمی‌گرفت و از همین رو، مطالباتی از عرصه جهانی را به درون مرزهای ملی تزریق می‌کرد. شاید از همین جهت بود که دچار آشفتگی در نظر و عمل بود.

بنابراین نکته حائز اهمیت در ظهور و بروز، و افول و زوال جنبش‌های اجتماعی جدید در ایران توجه به مولفه‌های هویتی است. این مولفه از عناصر متکثری تشکیل شده و می‌تواند همزمان بر نقاط تقاطع بردارهایی که سازنده آن هستند فعال شود. این بردارها در بُرش‌های عرضی و طولی جامعه ما فعال و نیمه‌فعال و بعضاً راکد هستند و ممکن است در بزنگاه‌های تراکم یا انفجار نیروهای اجتماعی فعال شوند و به صورت اعتراضات قوم‌پایه، آب‌پایه، سیاسی‌مبنا، جهان‌روا، مذهبی، ایدئولوژیک، سایبری، یا ترکیبی از اینها عمل بکنند. شناخت این مبناها و رانه‌ها برای فهم اغراض و اهداف آنها مهم بوده و البته که تاثیری به سزا در چگونگی تعامل با آنها دارد. چرا که فهم یک پدیده منجر به تحلیل آن، و تحلیل موجب امکان پیشگیری می‌شود. بنابراین درک این جنبشها و اعتراضات و تحرکات از منظر مولفه‌های هویتی نه تنها وظیفه‌ای آکادمیک بلکه ضرورتی سیاستگذارانه نیز هست چون که موجب شناسایی علل و درمان آنها نیز می‌شود و به ثبات سیاسی و اجتماعی کشور کمک شایان توجهی می‌کند.

### نتیجه‌گیری

درباب تنش‌ها و ناآرامی‌های ایران پس از عصر اصلاحات می‌تواند تحلیل‌ها و تفاسیر مختلفی داشت و آنها را از منظر مولفه‌های تحریک کننده - مانند اعتراضات اقتصادپایه، آب‌پایه، و مانند اینها - بررسی کرد. اما به نظر می‌رسد که یکی از وجوه کمتر پرداخته شده، توجه به نسبت میان هویت و این گونه تنش‌ها است. از همین رو، این تحقیق پرسش از تاثیر هویت در تحریک و تداوم تنش‌ها و ناآرامی‌های ایران پس از عصر اصلاحات را مورد توجه قرار داد. در همین راستا، یکی از عوامل مغفول، و یا در بهترین حالت کمتر مورد توجه گرفته، در تحلیل این تنش‌ها و ناآرامی‌ها در ایران، مولفه هویت و

تأثیری است که می‌تواند در تحریک و تداوم تنشها، و یارگیری و جذب و دفع آنها داشته باشد.

با توجه به این نکات، این پژوهش نسبت هویت و تنش‌های سیاسی و اجتماعی را در سه سطح فروملی (قومی)، ملی، و فراملی (جهانی)، بررسی کرد. در هر مورد نمونه‌هایی از تنش‌ها و ناآرامی‌های رخ داده در مرزهای ایران مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت. یافته‌های تحقیق نشان داد که بخشی از تنش‌ها و ناآرامی‌های رخ داده در این دوره زمانی اصولاً «هویت پایه» هستند و بایستی با التفات به همین مولفه تحلیل و تفسیر شود. چرا که امروزه هویت یکی از موثرترین رانه‌ها در جنبش‌های اجتماعی جدید است. همچنین بایستی سطوح مختلف فروملی، ملی، و فراملی را در آنها مورد نظر قرار داد؛ چرا که هویت در ایران معاصر به تبع تحولات جهانی، طیفی و چندگانه و منشوری و چهل تگه و سیار و سیال شده است و هر کدام از ابعاد آن می‌تواند به فراخور حال در تنش‌های اجتماعی و سیاسی فعال شود. همچنین باید توجه داشت که در تنش‌ها و ناآرامی‌های اقتصادپایه عموماً و غالباً عناصر هویتی آن چنان فعال نیستند. بدین معنا که محرک تنش یا تامین کننده سوخت بقا و تداوم آن نمی‌توانند باشند.

**استناد به این مقاله:** مقصودی، مجتبی، اشجاری، مهنوش، مرشدی زاده، علی، توحیدفام، محمد. (۱۴۰۳). تکثر هویتی و تنش‌های سیاسی - اجتماعی در ایران پس از دوره اصلاحات، فصلنامه علمی ره‌یافت انقلاب اسلامی، ۱۸(۶۷)، ۳-۱۸.



The Islamic Revolution Approach Quarterly is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

## منابع و مآخذ:

- استیری، مجید (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر میزان استفاده از شبکه های اجتماعی بر هویت اجتماعی، مجله انگیزه و سبک زندگی، تابستان ۱۳۹۶، شماره ۳
- اشرف نظری، علی (۱۳۸۶)، هویت مدرن و ظهور گفت‌وگو مشروطیت در ایران، فصلنامه مطالعات ملی؛ ۳۲، سال هشتم، شماره ۱، ۴
- اصلاحی، مرتضی (۱۳۸۷)، پیش بینی ناپذیری، کنش سیاسی ایرانیان، ماهنامه گزارش شهریور ۱۳۸۷ شماره ۲۰۰
- الطائفی، علی (۱۳۹۶)، بحران هویت قومی در ایران، تهران، انتشارات شادگان
- بشیری، حسین (۱۳۸۸)، مصاحبه با نشریه لوگوس، انتشار در تارنماهای اینترنتی
- بک، کالین جی (۱۳۹۸)، رادیکالها، انقلابها، تروریستها، ترجمه ایرج همتی و محمد بابایی، قم، نشر لوگوس
- بورديو، پیر (۱۳۹۳)، تمایز، ترجمه حسن چاووشیان، تهران، نشر ثالث
- ترکی، حسین (۱۳۹۹)، بررسی عوامل سیاسی - اقتصادی موثر بر چالش های قومیتی (قوم کرد ایران)، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۵۰(۱)، ۲۰-۱
- پوستینچی، زهره، و پازن، مؤگان (۱۳۹۲)، الگوی مدیریت بحران در پرتو گفتهای هویتی خاورمیانه، سیاست جهانی، ۲(۴)، ۱۳۳-۱۵۹
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، «تحلیل جامعه شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، ش ۵.
- حاجبانی، ابراهیم (۱۳۹۷)، اعتراضات و ناآرامی های دی ماه ۱۳۹۶ (تحلیل و برآوردها)، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱)، هویت اجتماعی، تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه
- رستگار، یاسر، و ربانی، علی (۱۳۹۲)، تحلیلی بر وضعیت هویت ملی و ابعاد ششگانه آن در بین شهروندان شهر اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، ۲۴(۲)، ۲۰-۱
- روحی، نبی الله (۱۳۸۴)، مردمی کردن امنیت در مدیریت بحران؛ بررسی موردی کردستان، فصلنامه سیاست دفاعی پاییز و زمستان ۱۳۸۴ شماره ۵۲ و ۵۳
- درینیکه، ژان پییر (۱۳۶۸)، خاورمیانه در قرن بیستم، مترجم فرنگیس اردلان، تهران، انتشارات بدرقه جاودان
- دور کوندی، لفته، طاهری خنکداری، محمد، و پور آخوند، نادر (۱۴۰۱)، بررسی انتقادی سیاست قومی حکومت های پهلوی اول و دوم (۱۳۵۷-۱۳۰۴)، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۶(۵۹)، ۱۲۹-۱۴۸
- شایگان، داریوش (۱۳۸۸)، افسون زدگی جدید: هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه فاطمه ولیانی، تهران، انتشارات فرزانه روز
- فیلیپس، لونی؛ بورگنسن، ماریان (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفت‌وگو، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی
- قربی، سیدمحمدجواد؛ حیدری، منصور (۱۳۹۶)، نقش همدلی در استحکام ساخت درونی قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست دفاعی - سال بیست و پنجم، شماره ۹۸، بهار ۱۳۹۶
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۰)، عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه‌ای)، ترجمه: احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران، انتشارات طرح نو
- کریمی فرد، حسین (۱۳۹۵)، بررسی انسجام و همبستگی هویتی - ارزشی نخبگان حاکم در ایران (۱۳۹۲-۱۳۵۷)، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، ۶(۲۱)، ۲۲-۱. doi: 10.22084/rjir.2017.1777
- کاووسی اسماعیل و حسین زادگان زهره (۱۳۹۰)، حفظ هویت ایرانی - اسلامی در فرایند جهانی شدن، مطالعات راهبردی سیاستگذاری عمومی، ۲(۳)، ۳۷-۶۲
- کلانتر مهرجردی، علیرضا، و خرمشاد، محمد باقر (۱۳۹۶)، گفت‌وگوهای فکری سیاسی و مسأله هویت ملی قبل از انقلاب اسلامی، رهیافت انقلاب اسلامی، ۱۱(۴۱)، ۷۱-۹۶
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸)، تجدد و تشخیص، ناصر موفقیان، تهران، نشر نی
- مقصودی، مجتبی و سیمین حاجی پور ساردویی (۱۳۹۲)، انسان به مثابه دال مرکزی در گفت‌وگو اعتدال؛ مطالعه الگوی حکومتی علی(ع)، فصلنامه رهیافتهای سیاسی و بین المللی، سال پنجم، شماره ۳۵، پاییز
- میرباقری، سیدمحمد مهدی (۱۳۸۹)، کالبدشناسی فرهنگی فتنه ۱۳۸۸، تهران، انتشارات فجر ولایت
- نیاکوئی، امیر (۱۳۹۳)، جامعه شناسی منازعات سیاسی در ایران «انتخابات ۱۳۸۸»، پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۰(۱)، ۱۹۹-۲۳۰

## References (In Persian)

- Al-Taee, Ali (2017). "The Crisis of Ethnic Identity in Iran." Tehran, Shadgan Publications.
- Ashraf Nazari, Ali (2007). "Modern Identity and the Emergence of Constitutional Discourse in Iran." *Quarterly Journal of National Studies*, Vol. 8, No. 4, p. 1.
- Astiri, Majid (2017). "Examining the Impact of Social Media Usage on Social Identity." *Motivation and Lifestyle Journal*, Summer 2017, No. 3.
- Bashiriyeh, Hossein (2009). "Interview with Logos Magazine," published on internet

- Shirazeh Publications.
- Kalantar Mehrjardi, Alireza, and Khormashad, Mohammad Baqer (2017). "Political Discourse and the Issue of National Identity Before the Islamic Revolution." *Pathways of the Islamic Revolution*, 11(41), 71-96.
  - Kaosi, Ismail and Heyzadeh Zohreh (2011). "Preserving Iranian-Islamic Identity in the Process of Globalization." *Strategic Studies of Public Policy*, 2(3), 37-62.
  - Kermani Fard, Hossein (2016). "Examining the Cohesion and Identity-Value Solidarity of the Ruling Elite in Iran (1979-2013)." *Journal of the Islamic Revolution Research*, 6(21), 1-22. doi: 10.22084/rjir.2017.1777
  - Maghsoudi, Mojtaba and Simin Hajipour Sardouei (2013). "Human as the Central Signifier in the Discourse of Moderation: A Study of the Governmental Model of Ali (PBUH)." *Quarterly Journal of Political and International Studies*, Vol. 5, No. 35, Autumn.
  - Mirbagheri, Seyyed Mohammad Mehdi (2010). *Cultural Anatomy of the 2009 Sedition*, Tehran, Fajr Velayat Publications.
  - Niakoui, Amir (2014). "Sociology of Political Conflicts in Iran: The 2009 Election." *Journal of Political Science Research*, 10(1), 199-230.
  - Phillips, Louise; Jørgensen, Marianne (2010). *Theory and Method in Discourse Analysis*, translated by Hadi Jalili, Tehran, Ney Publishing.
  - Poostinchi, Zahra, and Pazan, Mojgan (2013). "Crisis Management Patterns in Light of Identity Fault Lines in the Middle East." *Global Politics*, 2(4), 133-159.
  - Rastgar, Yasser, and Rabani, Ali (2013). "An Analysis of National Identity Status and Its Six Dimensions Among Citizens of Isfahan." *Applied Sociology*, 24(2), 1-20.
  - Rouhi, Nabi Allah (2005). "People-Centric Security in Crisis Management: A Case websites.
  - Beck, Colin J. (2019). *Radicals, Revolutionaries, Terrorists*, translated by Iraj Hemmati and Mohammad Babaei, Qom, Logos Publishing.
  - Bourdieu, Pierre (2014). *Distinction*, translated by Hassan Chavoshian, Tehran, Talaye Publications.
  - Castells, Manuel (2001). *The Information Age: Economy, Society, and Culture (The Rise of the Network Society)*, translated by Ahmad Ali Gholian and Afshin Khakbaz, Tehran, Tarh-e-No Publications.
  - Derenik, Jean-Pierre (1989). *The Middle East in the Twentieth Century*, translated by Farangis Ardalan, Tehran, Badregheh Javidan Publications.
  - Durkundi, Lefteh, Taheri Khonakdari, Mohammad, and Pour Akhound, Nader (2022). "A Critical Examination of the Ethnic Policies of the Pahlavi Governments (1979-1925)." *Pathways of the Islamic Revolution*, 16(59), 129-148.
  - Eslahchi, Morteza (2008). "Unpredictability: Political Action of Iranians." *Monthly Report*, September 2008, No. 200.
  - Ghorbi, Seyyed Mohammad Javad; Heydari, Mansour (2017). "The Role of Solidarity in Strengthening the Inner Structure of National Power in the Islamic Republic of Iran." *Quarterly Journal of Defense Policy*, Vol. 25, No. 98, Spring 2017.
  - Giddens, Anthony (1999). *Modernity and Self-Identity*, translated by Nasir Mofaghian, Tehran, Ney Publishing.
  - Hajiani, Ebrahim (2000). "A Sociological Analysis of National Identity in Iran and Proposal of Several Hypotheses." *Quarterly Journal of National Studies*, Vol. 2, No. 5.
  - Hajiani, Ebrahim (2018). "Protests and Unrest of December 2017 (Analysis and Estimates)." Tehran, Research Institute for Strategic Studies Publications.
  - Jenkins, Richard (2002). *Social Identity*, translated by Touraj Yarahmadi, Tehran,

Study of Kurdistan." *Quarterly Journal of Defense Policy*, Fall and Winter 2005, Nos. 52 and 53.

- Shayegan, Dariush (2009). *New Enchantment: Fragmented Identity and Nomadic Thought*, translated by Fatemeh Valiani, Tehran, Farzan Roos Publications.
- Torki, Hossein (2020). "Examining Political and Economic Factors Affecting Ethnic Challenges (Iranian Kurds)." *Specialized Quarterly of Political Science*, 16(50), 1-20.